

راهبردهای دستیابی به بینش

وحدت اسلامی در کلام رضوی

دریافت: ۱۳۹۶/۴/۵ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۵

فاطمه معمد لنگرودی^۱، محمدرضا بارانی^۲

چکیده

دستیابی به بینش وحدت اسلامی و تشکیل امت واحده که مبنایی قرآنی دارد، از دیرباز مورد توجه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) بوده است. از این رو، در عصر امام رضا (علیه السلام) و در پی گسترش بحث‌های کلامی، موقعیتی پیش آمد که امام توانست با استفاده از شرایط موجود با بزرگان ادیان و مذاهب اسلامی مباحثه و مناظره کند و گامی در جهت اتحاد میان مسلمانان بردارد. این مقاله با انگیزه یافتن راهبردهای دستیابی به وحدت اسلامی با توجه به کلام رضوی به نگارش درآمده است. از این منظر، پرسش این پژوهش آن است که راهبردهای دستیابی به وحدت اسلامی در کلام امام رضا (علیه السلام) چیست و چگونه می‌توان به آن نایل شد؟ روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع بنیادی است. با مطالعه کلام رضوی، راهبردهای رسیدن به وحدت اسلامی آشکار خواهد شد. مطالعات و بررسی کلام امام رضا (علیه السلام) به انگیزه شناسایی راهبردهای وحدت اسلامی نشان داد عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) در برابر خلافت عباسی در شرایط مختلف با سخنان بجا و اقدام صحیح خود، میان مسلمانان برابری و یکدلی برقرار و بر فرهنگ همدلی، اتحاد و وحدت اسلامی میان تمام مسلمانان تأکید کرده‌اند. مهم‌ترین راهبردهایی که امام رضا (علیه السلام) در احادیث خود در زمینه وحدت اسلامی بیان داشته‌اند، عبارت است از: بینش توحیدی، تأکید بر قرآن، تمسک به سیره نبوی، توجه به آرمان مهدویت‌گرایی، مداومت بر ذکر صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان مطهرش (علیهم السلام)، توجه دادن به اصول و مبانی وحدت در مناظره‌ها و اخوت ایمانی.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، مأمون، سیره، وحدت اسلامی، امت اسلامی.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول): flangarodi@yahoo.com
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س): m.barani@alzahra.ac.ir

۱. بیان مسئله

وحدت و یکپارچگی میان تمام انسان‌ها که امروزه با عنوان همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز مطرح است، در میان فرق و مذاهب اسلامی گریزناپذیر است. بنابراین، باید به‌عنوان یک ضرورت دائمی به آن نگرست و در جهت تحقق هرچه‌بیشتر آن تلاش کرد. در این میان، حضرات معصومان (علیهم‌السلام) به‌عنوان انسان‌های کامل و جامع تمام خصال نیک در میان مردم هستند که اعمال و رفتارشان الگوی پیروان حقیقی و انسان‌های خردمند و آگاه است. از این‌رو، دوران زندگانی امام‌رضا (علیه‌السلام) به‌لحاظ حضور ایشان در خراسان و شرکت در جلسات مناظره و گفتگو با بزرگان ادیان و مذاهب به‌لحاظ اجتماعی و فرهنگی شاخص است زیرا امام‌رضا (علیه‌السلام) با تبیین معیارهایی، راهبردهایی را برای نزدیکی و همگرایی افراد مسلمان بیان کرده‌اند که هر پیرو حقیقی باید به آن‌ها جامه عمل بپوشاند. در واقع، پذیرش ولایت‌عهدی توسط امام‌رضا (علیه‌السلام) سبب شد تا در میان امامان (علیهم‌السلام) از جایگاه سیاسی و اجتماعی خاصی برخوردار شوند و الگوی رفتاری مردم باشند. پذیرش ولایت‌عهدی از سوی امام و آمدن ایشان به خراسان، با وجود تمام انگیزه‌هایی که برای مأمون از این دعوت وجود داشته و همه عواملی که حضرت را به پذیرش وادار کرده است، یک نتیجه عملی و انکارناپذیر دارد: پدیدآمدن زمینه همگرایی و همدلی امت اسلامی پس از سال‌ها درگیری و جنگ.

بی‌تردید، بحث وحدت اسلامی به‌معنای همزیستی مسالمت‌آمیز میان مذاهب با حفظ عقاید هر مذهب توأم با احترام به مذاهب دیگر بر اساس تکیه بر اشتراک‌ها، از همان صدر اسلام مطرح بوده است. امام‌رضا (علیه‌السلام) هم در عصر خود با جریان‌های فکری متعددی چون شیعه، اهل سنت و... روبه‌رو بوده و برای دستیابی به آرمان وحدت اسلامی سخنانی بیان کرده‌اند که در جای خود حایز اهمیت بوده است. از همین روست که در این پژوهش با نگاهی نو و تحلیلی، در جستجوی راهبردهای وحدت اسلامی در کلام رضوی هستیم. به‌دنبال این مقدمه،

پرسش اصلی این پژوهش آن است که راهبردهای عملی دستیابی به وحدت و اتحاد و همدلی اسلامی در کلام امام رضا (علیه السلام) چیست و چگونه می‌توان به آنها دست یافت؟

روش کار در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. با توجه به روش پژوهش، جامعه پژوهش شامل کلیه روایات و منابع تاریخی مرتبط با موضوع بررسی است. اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. مطالعه حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که بر اساس سخنان امام هشتم (علیه السلام) چه راهبردهایی برای دستیابی به بینش وحدت اسلامی در نظر گرفته شده و در دنیای امروز چگونه می‌توان از این راهبردها بهره برد.

درباره راهبردهای دستیابی به آرمان وحدت اسلامی در کلام رضوی، پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ لیکن صابری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای تقریب مذاهب در سیره امام رضا (علیه السلام)» به ضرورت و اهمیت بحث تقریب و الگوبودن رفتار امام رضا (علیه السلام) برای مسلمانان پرداخته و به عقاید و مذاهب عصر امام - چون عقاید و فرهنگ یونانی و رومی، مناظره با بزرگان ادیان و مذاهب، واقفیه و معتزله - و عملکرد امام نسبت به آرا و افکار آنان نگاهی گذرا داشته است. سپس راهبردهای عملی تقریب در سیره امام را مواردی چون سیره عملی امام (علیه السلام) در پاسخگویی به شبهه‌ها و سؤال‌ها، دعوت به تفکر و تعقل و اندیشه و تأکید به آن، استدلال از طریق مبادی عقلی، مناظره‌ها و احتجاج‌های امام رضا (علیه السلام)، پاسخ‌های مجمل و نهی از بحث بیهوده، دوری جستن و بی‌طرفی در حرکت‌های نظامی ذکر کرده است که فاقد استدلال منطقی و استناددهی معتبر و علمی بوده و بیشتر ناظر بر مناظره‌های امام است. عنوان مقاله دوم «نقش امام رضا (علیه السلام) در وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی» است. شیخوند (۱۳۹۱) در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی واژگان مرتبط با تحقیق، مواردی چون به رسمیت‌شناختن اختلاف سلیقه و اندیشه، پذیرش محوریت قرآن، تمسک به سیره و سنت نبوی، ترویج خردگرایی و آزاداندیشی،

ترک جدال و مخاصمه و تحمل دیگران، نفی قومیت‌گرایی و نژادپرستی، اطاعت از رهبری دینی، تشویق به روابط اجتماعی، عاطفی و اخوت دینی را در بُعد روابط اجتماعی و مناظره‌های امام(علیه‌السلام)، از جمله عوامل ایجاد وحدت اجتماعی میان انسان‌ها فارغ از مذهب و دین ذکر می‌کند. سومین اثر «نقش امام‌رضا(علیه‌السلام) در وحدت ملی و انسجام اسلامی عصر عباسی» نام دارد که در آن براتی(۱۳۸۶) به بررسی اوضاع سیاسی، فرهنگی عصر هارون، امین و مأمون پرداخته و به‌طور مختصر نقش امام(علیه‌السلام) را در مناظره‌ها بیان کرده است که فاقد تحلیل و بررسی همه‌جانبه بوده و ضعف محتوایی دارد. چهارمین اثر «راهکارهای تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام‌رضا(علیه‌السلام)» است. سیاوشی و سلیمانی‌فر(۱۳۹۴) در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی واژگان، به زندگی‌نامه و اوضاع سیاسی- فرهنگی عصر امام(علیه‌السلام) نظری انداخته و اقدام‌های امام در زمینه تقریب مذاهب اسلامی را در مواردی چون سفارش به گفتگوی مثبت و همراه با آگاهی با پیروان مکاتب و مذاهب مختلف، تشویق به امر به معروف و نهی از منکر، تأکید بر حضور و همگامی در عبادات، مراسم و مناسک اجتماعی، تشویق به برقراری روابط اجتماعی و عاطفی و اخوت دینی و همچنین معرفی گروه‌های انحرافی دانسته که بدون هیچ تحلیل و یا شواهد تاریخی تنها به ذکر این موارد بسنده کرده است. همچنین، از راهکارهای تقریبی امام(علیه‌السلام) دعوت به برادری مسلمانان با یکدیگر، گفتگو(مناظره) عقلانی و سازنده، تأکید بر مشارکت در مراسم و مناسک عبادی و اجتماعی، سفارش به برقراری روابط اخلاقی و عاطفی، ترویج خردورزی و آزاداندیشی و صیانت از یکپارچگی دینی - حاکمیتی در جامعه اسلامی را ذکر کرده که تکرار مطالب مقاله زهرا شیخوند و فاقد نوآوری است. آخرین اثر «راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات» است که خادمی و همکاران(۱۳۹۵) صرفاً آداب و اخلاق مناظره چون تأکید بر مشترکات ادیان، استناد به قرآن و سنت اهل بیت(علیهم‌السلام)، التزام به اخلاق انسانی(احترام و مهرورزی) و مواردی از این

دست را از نگاه امام‌رضا(علیه‌السلام) روشی برای نزدیکی و وحدت میان افکار و افراد ذکر می‌کنند.

با بررسی دقیق این آثار، اثری که همه‌جانبه به راهبردهای دستیابی به بینش وحدت اسلامی در کلام رضوی پرداخته باشد، یافت نشد. از این رو، پژوهش حاضر به شیوهٔ تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع روایی و تاریخی، به تمام ابعاد زندگانی امام‌رضا(علیه‌السلام) و اقدام‌های ایشان پرداخته که از این حیث دارای نوآوری است. نوشتار حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است: راهبردهای عملی دستیابی به بینش وحدت و همدلی اسلامی در کلام امام‌رضا(علیه‌السلام) چیست و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

۲. مروری بر وضعیت سیاسی عصر امام رضا(علیه‌السلام)

امامان معصوم(علیهم‌السلام) به دلیل شخصیت برجستهٔ علمی و نفوذ معنوی در میان مردم، برای خلفا و حاکمان عصر خود خطری بزرگ شمرده می‌شدند. از این رو، هر یک از خلفای عباسی به فراخور موقعیت زمانی خویش، دست به انجام یکسری دسیسه‌ها و نیزنگ‌ها می‌زدند تا چهرهٔ اهل بیت(علیهم‌السلام) را خدشه‌دار کنند. لیکن، امامان معصوم(علیهم‌السلام) و به‌ویژه امام‌رضا(علیه‌السلام) از موقعیت مکانی و زمانی خویش بهره می‌بردند و با برپایی مناظره‌های متعدد با ارباب فرق و مذاهب اسلامی و بزرگان زرتشتی، یهودی و مسیحی، حقانیت مذهب تشیع و آیین اسلام را به همگان می‌فهماندند. بدین گونه بود که مقام امام در میان عامهٔ مردم و بزرگان درباری و کشوری افزوده می‌شد که این امر از منظر مأمون عباسی خوشایند نبود. لذا، شناخت اوضاع سیاسی دوران امام‌رضا(علیه‌السلام) و پدر بزرگوارشان، محنت، سختی و مشکلات سیاسی را که در سایهٔ حکومت عباسیان متوجهٔ اهل بیت(علیهم‌السلام) بود، به تصویر می‌کشد.

بر اساس بررسی منابع تاریخی، وضعیت سیاسی حضرت در دو مرحله بازتاب دارد:

الف) مرحله خلافت مهدی، هادی و هارون که مرحله سخت و دشواری است. پدر بزرگوار حضرت، امام موسی کاظم (علیه السلام) در این زمان به دست هارون شهید شدند. در عصر هادی واقعه فح با شهادت حسین بن علی از نوادگان امام حسن (علیه السلام) و یارانیش، مصادره اموال و طرد سادات و زندانی شدنشان همراه بود. در این دوره امام تحت ولایت پدر بزرگوارش می‌زیست تا اینکه امام موسی کاظم (علیه السلام) شهید و امامت به وی منتقل شد. ابن صباغ مالکی به نقل از صفوان بن یحیی می‌گوید: وقتی امام رضا (علیه السلام) به امامت رسید، ما برجان ایشان بیمناک و به ایشان یادآور شدیم، اما فرمودند: «لیجهدن جهده فلا سبیل له علی» (هرآینه وی سعی و تلاش می‌کند ولی اقدام مؤثری علیه من نمی‌تواند انجام دهد). صفوان اضافه می‌کند: فرد مورد اطمینانی برایم روایت کرد که خالد بن یحیی برمکی به هارون گفت: «این علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) است که دست به کار شده و مردم را به سوی خویش فرا می‌خواند. هارون در جوابش گفت: آنچه ما با پدرش کردیم ما را بس است. می‌خواهی همه آنها را به یکباره به قتل برسانیم؟» (مسعودی، ۴۲۶ ق: ۲۰۵؛ شبراوی، بی تا: ۵۹). همچنین آمده که در عصر هارون، محمد سنان از یاران حضرت به امام گفت: تو در جای پدر خویش نشسته و امامت خویش را آشکار نموده‌ای، در حالی که هارون قصد کشتن تو را دارد. امام فرمود: «این سخن، پیامبر خدا را بر این کار جرأت داده که فرموده است: اگر ابوجهل بتواند مویی از سر من کم کند، همه گواهی دهید که من پیامبر خدا نیستم. من نیز به شما گویم: اگر هارون مویی از سر من کم کند، امام نیستم.» (مسعودی، ۴۲۶ ق: ۲۰۶؛ کلینی، ۱۳۸۱: ۳۰۲). در این دوره بود که هارون امام کاظم (علیه السلام) را به شهادت رساند و در مواقع مختلف سعی بر آزار فرزندش رضا (علیه السلام) داشت؛ لیکن پروردگار عالم جان او را حفظ کرد.

ب) مرحله دوم، زمان امین و مأمون: با مرگ هارون در جمادی الثانی سال

۱۹۳ق، امین در بغداد به خلافت رسید. در تاریخ نشانی از برخورد حکومت امین با امام رضا(علیه السلام) وجود ندارد. شاید بدین سبب بوده که در این زمان جوّ تردید و تزلزل بر حکومت سایه افکنده و اختلاف‌های داخلی، خانواده‌ی عباسی را به تفرقه خطرناکی کشانده است زیرا در این زمان جنگ قدرت میان امین از مادری عرب به نام زبیده و مأمون از مادری ایرانی در بغداد و خراسان جاری بوده است. در این زمان، اختلاف امین برای جانشینی پسرش برخلاف وصیت هارون الرشید رخ داد و بین دو برادر نزاع دائمی برقرار بوده تا اینکه در سال ۱۹۸ق مأمون برادرش را کشت و خود بر مسند خلافت تکیه داد. با به خلافت رسیدن مأمون بود که وی امام را از مدینه به خراسان آورد و او را ولیعهد گردانید و با برپایی جلسات بحث و گفتگو با اربابان ادیان مسیحی، یهودی، مسلمان و... سعی داشت چهره‌ی امام را خدشه‌دار کند و خود بدین واسطه، وجهه‌ای مذهبی و مشروعیت و مقبولیت مردمی یابد؛ هرچند با درایت امام(علیه السلام) شکست خورد(عسکری، بی‌تا: ۲۱۷؛ حکیم و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۷۴ و ۲۴۰-۲۵۷).

۳. راهبردهای وحدت اسلامی در سیره‌ی امام رضا(علیه السلام)

امام رضا(علیه السلام) به‌عنوان امام هشتم شیعیان و جانشین پیامبر(صلی الله علیه و آله) در تبیین قرآن و سنت نبوی، مورد توجه همه‌جانبه‌ی مردم قرار گرفتند و گفتار ایشان به‌نحوی خاص مورد توجه صحابه، دوستداران، محدثان و مورخان قرار گرفت تا جایی که سخنان حضرت توسط محدثان ثبت شد. این امر نشان می‌دهد که سخنان ایشان به‌مانند سخنان جدشان(که به فرموده‌ی قرآن: از روی هوی و هوس سخنی نمی‌گویند) بوده است، و گرنه لزومی نداشت که مردم دور امام جمع شوند و سؤال‌های دینی خود را بپرسند زیرا پیامبر(صلی الله علیه و آله) سال‌ها قبل از تولد ایشان، او را عالم آل محمد(صلی الله علیه و آله) نامید تا ملجایی برای شیعیان و پیروان حقیقی علم و دانش باشد. از این‌رو، آن امام‌همام در کلام خویش به راهبردهایی جهت

دستیابی به بینش و آرمان وحدت و اتحاد اسلامی میان مسلمانان اشاره کرده‌اند که ابتدا از منابع مستند و معتبر روایی و تاریخی استخراج و سپس به فراخور موضوع، تحلیل و بررسی شده است.

۱-۳ بینش توحیدی

اولین و اساسی‌ترین راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی در بین انسان‌ها، توجه به بینش و نگاه توحیدی و یکتاپرستی است. خداوند متعال در قرآن مجید به دفعات انسان‌ها را به وحدت و یکرنگی دعوت کرده است (بقره/۱۳۸؛ آل عمران/۸۴-۶۴؛ کهف/۱۴؛ انبیاء/۹۲). از این رو، می‌توان گفت پیروان ادیان و مذاهب مختلف در جهان دارای مشترکات و نقاط همگرا هستند و در رأس همه اینها، خدای واحد را قبول دارند. لذا، با تکیه بر مشترکات دینی، مذهبی و انسانی خویش، می‌توانند تقریب مذاهب یا وحدت پیروان ادیان را ایجاد کنند. از نگاه امام‌رضا (علیه‌السلام) در توحید و خدامحوری، تفاوتی میان ادیان وجود ندارد و این امر از جمله اصول برجای مانده از ادیان بدون تحریف و راستین بوده است (خادمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۴ و ۴۵). بنابراین، حضرت در سخنان خویش به محوریت دین در قالب خدامحوری در میان مسلمانان اشاره دارد و در توصیه به کسی که قصد کوتاه کردن موی سر را داشته یا گروهی که می‌خواستند مرده‌ای را دفن کنند، فرمان می‌دهد که بگویند: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ» (منسوب به علی بن موسی (علیهما السلام)، ۱۴۰۶ق: ۱۷۰ و ۳۹۴؛ ابطحی، ۱۳۹۲: ۱۷۰ و ۳۹۴). در تحلیل این کلام می‌توان گفت، کاملاً آشکار بوده که این دعاء مؤمنان را وادار می‌کرده است تا از فرصت‌های مناسب و متنوع برای یادآوری شعایر الهی و تکیه بر محوریت خدامحوری بهره بگیرند زیرا به فرموده قرآن و سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) تنها راه رسیدن به وحدت و همدلی، پیروی از دستورات خداوندی است که بر محور کائنات بوده و مسلمانان نیز باید به خدا اعتقاد راسخ داشته باشند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند.

در برخی از ادعیه منقول از حضرت، مسئله امت واحده با موضوع وحدانیت خداوند قرین گردیده است، لذا آنان که به این خدا ایمان دارند، پیرو یک دین و اعضای یک امتند؛ آنجا که امام رضا(علیه السلام) در دعایی که به عنوان تعقیب نماز پیامبر(صلی الله علیه و آله) تعلیم داده شده، اوج وحدت امت را در پرستش یک خدا دیده و می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَ حَذَاهُ اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ بِكَ خَاصَمْتُ وَ إِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ.» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج: ۱؛ ۲۹۱؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق؛ ۲۴۲؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق؛ ۱۴۹). بی‌شک، استفاده از تعبیر «اله واحد» در بافت این دعا، در واقع برای تأکید نهادن بر احدیت خدا نیست؛ بلکه تأکید بر آن است که همه مسلمانان دارای خدایی واحد هستند و یک خدا را می‌پرستند.

همچنین امام رضا(علیه السلام) در مسیر سفر خویش به مرو، هنگامی که قصد ترک نیشابور را داشت، به علت درخواست محدثان آن شهر، سر از کجاوه بیرون آورده و حدیثی را فرمود که در تاریخ به «سلسله الذهب» مشهور است: «از پدرانم... از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله)، از جبرئیل و از خداوند عزوجل شنیدم که می‌گوید: من خدایی هستم که به جز من خدایی نیست و این دژ من است. پس هر کس داخل دژ من گردد از عذابم ایمن می‌گردد. سپس امام(علیه السلام) برای بار دوم پس از لحظاتی لب به سخن گشوده و فرمودند: همانا این امر شرطی دارد و من از شروط آن هستم.» (منسوب به علی بن موسی(علیهما السلام)، ۱۴۰۶ق؛ ۴۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق؛ ۷؛ همان، ۱۳۷۸ق، ج: ۲؛ ۱۳۴ و ۱۳۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج: ۱؛ ۱۷۰).

با توجه به حدیث فوق می‌توان گفت، منظور، دعوت به وحدت کلمه و یکدلی بوده است زیرا اساس اسلام و مدخل آن این کلمه است که معتقدان به خود را از هرگونه تشویش و عذاب در امان می‌دارد و مسلمانان باید با توجه به آن در درون حصار و باروی اسلام از اختلاف کلمه بپرهیزند و مدافع آن حصن در برابر تهاجم خارجی باشند

و از دشمنی و مخالفت بر سر مسائل فرعی دوری گزینند و اگر میان مردم اختلاف وجود داشته باشد، باید حول محوری به نام خدا که همه چیز از اوست قرار گیرند و به دلیل آنکه خداوند یکی از مشترکات بین مسلمانان است، باعث شده تا مردم گرد محوری واحد جمع شوند که این همان وحدت اسلامی و تشکیل امت واحده است.

۲-۳ تأکید بر قرآن

بی تردید، تمام مسلمانان در قالب دسته‌های مختلف کلامی و فقهی و روش‌های متنوع فکری و عملی، در قبول قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع و محور رسالت اسلامی و ضرورت پیروی از دستورات آن اشتراک نظر دارند. بر اساس گزارش‌های ذکر شده در متون حدیثی و تاریخی، امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز همواره مسلمانان و به‌ویژه پیروان خود را به محوریت و فصل‌الخطاب بودن این منبع اصیل و حیاتی به‌عنوان «ثقل اکبر» توجه می‌دادند. از این منظر، ایشان پس از اشاره به جامعیت قرآن، سوگند یاد می‌کند که «خداوند چیزی از احتیاجات بندگان را فروگذار نفرمود تا در آن صورت هیچ بنده‌ای نتواند بگوید ای کاش این در قرآن آمده بود.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۹) زیرا از دیدگاه ایشان، قرآن «هو حبل الله المتین و عروه الوثقی و طریقه‌المثلی المؤدی إلى الجنة و المنجی من النار» است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷: ۲۱۰). بنا بر فرمایش دیگری از آن حضرت، با توجه به در دسترس همه بودن قرآن کریم، این کتاب حجتی عام برای همه افراد انسانی است (همان). پس دومین محور از محورهای دستیابی به آرمان وحدت‌گرایی میان مسلمانان عالم جهت تقریب مذاهب اسلامی در بینش و منش رضوی، پذیرش و باور به محوریت قرآن از لحاظ جامعیت مفاهیم و تعالیم موجود در آن است زیرا راه‌حل مناسب برای برطرف کردن بسیاری از اختلاف‌های فکری، تنش‌های تفرقه‌انگیز و فتنه‌های سیاسی - اجتماعی با مراجعه به کتاب قرآن و فهم و عمل کردن به آیات آن، برای بشر قابل حل و فصل است. به‌همین خاطر، امام‌رضا(علیه‌السلام) با معرفی کردن قرآن به‌عنوان

راهبردی هدفمند و اثربخش در اتحاد و وحدت میان مسلمانان، مردم را به فهم و تدبیر و به‌کارگیری مفاهیم آن دعوت کرده است.

۳-۳ تمسک به سیره نبوی

سیره رفتاری و کرداری پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سیره‌ای الهی و نیکوست که قرآن کریم از آن با اصطلاح «سوه حسنه» یاد می‌کند تا مردم از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و جانشینان حضرت (علیه‌السلام) که راهشان صراط مستقیم است، پیروی کنند. بی‌شک، امام‌رضا (علیه‌السلام) کلام خویش را مستند به کلام جدّ بزرگوارشان حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌کردند تا مورد قبول مسلمانان قرار گیرد و بدون تردید آن را پذیرا باشند. از دلایل بهره‌بردن امام از سخنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احیای سنت نبوی و یادکرد میراث دینی که در گذر زمان دچار غبار گرفتگی شده بود، بیان موقعیت خویش و ارائه اهل بیت واقعی، تحکیم سخن و ایجاد پشتوانه برای آن مسلمانان به حکم شأن پیامبر و توصیه‌های قرآنی به پیروی از آن حضرت (آل عمران/۳۱؛ احزاب/۲۱؛ حشر/۷)، امانتداری در انتقال سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به آیندگان. این موضوع سبب می‌شد تا کلام مستند به ایشان را به‌راحتی بپذیرند و برای خود حجت بدانند. در نتیجه، استناد به کلام آنان، به‌ویژه سخن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) موجب اعتبار یافتن مدعا می‌شد (واسعی، ۱۳۹۵: ۲۵۴-۲۵۸). در واقع، در کلام امام‌رضا (علیه‌السلام) سنت نبوی طوری با تأکید مطرح می‌شود که بتواند به‌عنوان محوری برای وحدت و همگرایی امت کارآمد باشد. سیره عملی امام هشتم (علیه‌السلام) و آموزه‌های آن حضرت در شرایط پرتنش عصر، آن امام بزرگوار را به‌الگویی از فرزندان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مبدل ساخته بود که از منظر عموم مسلمانان سزاوارترین فرد برای احیای سنت نبوی و زدودن بدعت‌ها از دین پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود. از این‌رو، از موارد مهمی که حضرت در مدت اقامت خود در خراسان، به سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تمسک

جستند، می‌توان به ماجرای اقامه نماز عید فطر توسط امام‌رضا(علیه‌السلام) با توجه به سیره عملی پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) اشاره کرد که آن حضرت، پابره‌نه و با اطمینان خاطرِ ظاهری و باطنی و با فریاد الله‌اکبر، لایله‌الاله، الحمدلله و... به‌سوی مصلی گام برداشتند. این حرکت چنان از طیب خاطر امام و یارانش حکایت می‌کرد که لشکریان و بزرگان لشکری و کشوری نیز تحت تأثیر قرار گرفتند و همانند امام، پابره‌نه و لیبک‌گویان به سوی مصلی گام برداشتند تا اینکه مأمون احساس خطر کرد و از میانه راه امام را برگرداند(کلینی، ۴۰۷: ۱، ج ۱؛ ۴۸۹ و ۴۹۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲، ج ۲؛ ۱۵۱؛ ابن‌عمرانی، ۱۴۲۱: ۹۸). بی‌شک، زنده‌کردن سیره و سنت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به‌مثابه حلقه وصل امت، زمینه‌ساز رجوع به حق‌پرستی شده و نزدیکی انسان‌ها را به‌دنبال دارد.

در پی جویی از جایگاه سنت نبوی و رابطه آن با انسجام امت در احادیث و کلام امام‌رضا(علیه‌السلام) بیش از همه بازتاب آن را می‌توان در ادعیه منقول از امام‌رضا(علیه‌السلام) جست. از این منظر، ذکر نام پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و نثار صلوات و درود بر آن حضرت و اهل بیت وی(علیهم‌السلام) در دعاهای امام‌رضا(علیه‌السلام) نمود عینی یافته و دائم بر مفهوم سنت و سیره پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) تأکید شده است. از جمله، در دعایی که پیش از آغاز نماز توصیه شده، آمده است: «خدایا، ای پروردگار، این دعوت‌نامه و نماز برپا شده، محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به درجه و وسیله و فضل و فضیلت برسان. با خدا آغاز می‌کنم و از خدا پیروزی می‌طلبم و به محمد پیامبر خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آل محمد(علیهم‌السلام) روی می‌آورم. خدایا، بر محمد و آلش درود فرست. پس مرا به‌واسطه آنها نزد خود در دنیا و آخرت وجیه گردان و از مقربان قرار ده.»(طوسی، ۱۴۱۱: ۱، ج ۳۰؛ ابن‌طاووس، ۱۴۰۶: ۱۵۵؛ کفعمی، ۱۴۰۵: ۱۴). باید گفت، در این حدیث اشاره می‌کند که تکیه بر جایگاه پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به‌عنوان آورنده این دین مشترک و صاحب امت با این توجیه ادامه پیدا می‌کند که اهل بیت پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) جدا از شخصیت و دین او نیستند و سعادت

دنیا و آخرت جز با روی آوردن به آنها حاصل نمی‌شود.

خداوند نیز از سیره پیامبرش در قرآن غافل نبوده است، لذا می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» (ممتحنه/۴) و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱). پیداست که خداوند در این آیات مردمی را که خواهان همدلی و رسیدن به وحدت هستند، به امر مهمم‌الگو قرار دادن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیتش (علیهم‌السلام) سفارش کرده است و امام‌رضا (علیه‌السلام) هم بر آن صحه نهاده و در ادعیه حج می‌فرماید: «اسْتَعْمَلِنِي بِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوْفَنِي عَلَى مِلَّةِهِ ... اللَّهُمَّ اسْتَعْمَلْنَا بِطَاعَتِكَ وَأَخِينَا عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوْفَنَا عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶: ۳۴۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۴۴۵).

۳-۴ توجه به آرمان مهدویت‌گرایی

از دیگر راهبردهای برقراری وحدت اسلامی میان مسلمانان، توجه به آرمان مهدویت‌گرایی و اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی عادل بوده است. امام‌رضا (علیه‌السلام) در سخنان خود بدین امر تأکید داشته‌اند. یکی از سخنان حضرت درباره ظهور منجی عالم پس از فراوانی ظلم و جور، طلب ظهور امام زمان (عج) است که باعث شده تا مردم بر محور اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی، به یکدیگر نزدیک شوند. این نزدیکی همان همدلی و وحدت اسلامی میان گروه‌های مختلف اسلامی است؛ آنجا که می‌فرمایند: «خدایا، او را قائم و منتظر قرار ده و امامی که با او پیروزی می‌آید، او را با پیروزی چیره و فتحی نزدیک یاری رسان و او را وارث شرق زمین و غرب آن قرار ده؛ سرزمین‌هایی که در آنها برکت نهادی و با او سنت پیامبرت را زنده بدار تا چیزی از حق از ترس کسی پنهان نگاه داشته نشود؛ و یا او را توانمند ساز و یاری نرساننده به او را خوار گردان و برآن که با او دشمنی کند غضب کن و آن‌کس را که با او نادرستی کند، نابود گردان. خدایا، به دست او جباران و ستون‌های کفر را به قتل

آور و سران گمراهی و گزارندگان بدعت و میرانندگان سنت و تقویت‌کنندگان باطل را در هم شکن... خدایا، او را در خودش و فرزندانش و خاندانش و نسلش و امتش و همه پیروانش چیزی ده که موجب روشنی چشم باشد و بدان دلش را شادمان گردد.» (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۵۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲: ۳۳۳ و ۳۳۴).

ناگفته پیداست، اعتقاد مسلمانان به ظهور حضرت مهدی (عج) سبب انسجام و همگرایی امت و موجب دستیابی به سعادت و پیروزی حق بر باطل می‌گردد زیرا با آمدن امام زمان (عج) که قرن‌ها قبل از تولد حضرت، پیامبران پیشین و حتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مزده ظهورش را به‌عنوان اقامه‌کننده عدالت و قسط داده است، سرانجام می‌آید و با آمدنش باعث برقراری راستی و درستی، نابودی کافران و ستمگران، فراوانی خیر و برکت در میان امت مسلمان و پیروزی نهایی حق بر باطل می‌شود که این امر مورد تأیید قرآن و نص صریح روایات ماست. از این‌رو، باور مسلمانان به اینکه کسی خواهد آمد و حق را جایگزین باطل می‌کند و در نتیجه مردم را حول یک محور جمع و قسط، عدل و آبادانی سرزمین‌ها را باعث می‌شود، زمینه‌ساز پیوند برابری و یکدلی مسلمانان می‌گردد که همان آرمان اتحاد و وحدت اسلامی است.

۵-۳ مداومت بر ذکر صلوات بر محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آل محمد (علیهم‌السلام)

از اثربخش‌ترین راهبردهای نزدیکی و وحدت‌گرایی بین مسلمانان، مداومت بر ذکر صلوات بر محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آل محمد (علیهم‌السلام) است که مورد توجه شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و جانشینان وی بوده است. بی‌شک، پرिसامدترین فراز دعا در دعاها و سخنان امام‌رضا (علیه‌السلام) اهمیت‌دادن به جایگاه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) در دین اسلام و درود فرستادن بر آنهاست. در صلوات امام‌رضا (علیه‌السلام) بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و معصومان (علیهم‌السلام) ضمن صلوات جداگانه بر معصومان (علیهم‌السلام) در انتهای صلوات چنین آورده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَيَّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنَ الرَّضَا وَ الْحُسَيْنَ

الْمُصَفَّى وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الْهُدَى. «(طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۴۰۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۴۹۷؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۵۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱: ۲۰۹). و در جای دیگر، امام (علیه السلام) با اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/۵۶) فرمودند: معاندان نیز می دانند هنگامی که این آیه نازل شد، از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤال شد که چگونه صلوات بفرستیم؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: چنین بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۳۶). پس از این، سخن امام (علیه السلام) حتی مورد تأیید مأمون قرار گرفت (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۳۰؛ همان، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۳۶). بدون تردید، در دعاهای امام رضا (علیه السلام) صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) در واقع نشان از اهمیت قابل شدن به این سخن پروردگار است که در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/۵۶). بنابراین، احترام و ارج نهادن به جایگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) بیانگر آن است که مسلمانان نیز باید با پیروی از کلام پروردگار، رو به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) روی بیاورند که این خود موجب وحدت و یکدلی افراد جامعه اسلامی می شود.

در ادعیه وارد شده از ناحیه امام رضا (علیه السلام) موضوع صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان مطهرش (علیهم السلام) به کرات بیان شده و مردم را به این سمت سوق داده است تا به وسیله صلوات، به یکدیگر نزدیک شوند. از مواردی که حضرت به این موضوع اهتمام تام داشته، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) درخواست فرج و گشایش کار اهل بیت (علیهم السلام): «يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَنَا فَرَجًا وَ مَخْرَجًا.» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۹۵؛ همان، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۵۷۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱: ۴۶۵).

ب) یادآوری بزرگداشت مقام اهل بیت (علیهم السلام): «اللَّهُمَّ يَا رَبَّ أَنْتَ عَظَّمْتَ حَقَّنَا

أَهْلَ الْبَيْتِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۶۸؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۵۸؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۷۰).

ج) دعا برای رفع گرفتاری مسلمین: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَشِفْ عَنَّا كُلَّ هَمٍّ وَفَرِّجْ عَنَّا كُلَّ غَمٍّ وَاقْضِ لَنَا كُلَّ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۴۷۶؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۵).

د) درخواست ظهور امام زمان (عج): «اللَّهُمَّ أَظْهِرِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَقُولُ بِهِ وَانْتَظِرُهُ اللَّهُمَّ قَوْمٌ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ أَظْهِرْ رَأْيَتَهُ وَ قَوِّ عَزْمَهُ وَ عَجِّلْ خُرُوجَهُ وَ انْصُرْ جُيُوشَهُ وَ اعْضِدْ أَنْصَارَهُ وَ ابْلُغْ طَلِبَتَهُ وَ أَنْجِحْ أَمَلَهُ وَ أَصْلِحْ شَأْنَهُ وَ قَرِّبْ أَوَانَهُ فَإِنَّكَ تُبَدِّئُ وَ تُعِيدُ وَ أَنْتَ الْغُفُورُ الْوَدُودُ» (منسوب به علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)، ۱۴۰۶ق: ۴۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴: ۲۱۴).

برآیند تمام دعاهایی که در آن صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (علیهم السلام) به طور خاص و یا عام توسط امام رضا (علیه السلام) آمده، این است که امام در پی آن است تا مردم را به سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان مطهرش سوق دهد تا مسلمانان حوایج و خواسته های خویش را از این منبع فیوضات الهی درخواست کنند. این جمع شدن مردم بر محور صلوات فرستادن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندان مطهرش (علیهم السلام) باعث نزدیکی قلوب مسلمانان به یکدیگر و رسیدن به آرمان وحدت اسلامی می شود که خیر و سعادت دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

۳-۶ توجه دادن به اصول و مبانی وحدت در مناظره های امام (علیه السلام)

برپایه جلسات بحث و گفتگوی دینی بین امام رضا (علیه السلام) و اربابان ادیان و مذاهب اسلامی از جمله شگردهای مأمون عباسی بود تا بدین وسیله علم امام را بیازماید و با نشان دادن ضعف حضرت در پاسخگویی به مسائل مطرح شده در مناظره ها، ایشان را به چالش بکشاند؛ لیکن امام (علیه السلام) با بهره مندی از علم الهی و درایت

و دانایی ذاتی و آوردن استدلال‌های عقلانی و ذکر شواهد از کتب تورات، انجیل و... اصالت تعالیم و فرهنگ اسلامی و گفته‌های قرآن و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به گوش تمام حاضران در مجلس اعم از مسلمانان، مسیحیان، یهودیان، زردتشتیان و... رساند و از آن به‌عنوان راهبردی اساسی در نزدیکی میان ادیان و گروه‌های فکری و مذهبی بهره برد.

ناگفته پیداست، مناظره به‌عنوان شیوه‌ای کارآمد در گفتگوها، از دیرباز مطرح بوده و اهمیت خود را تا به امروزه حفظ کرده است. در واقع، امام‌رضا (علیه‌السلام) زمانی به مقابله و مناظره با رؤسای فرقه‌های مختلف درون دینی و برون دینی پرداختند که پیشتر آنها با استفاده از فضای باز ایجادشده توسط مأمون، در حال تئوریزه کردن عقاید و تبلیغ باورهایشان بودند (میرحسینی و کریمی، ۱۳۹۲: ۹۸) غافل از اینکه با پخش شدن عقاید متعدد و گوناگون از ادیان و مذاهب مختلف در سطح جامعه اسلامی، این امر موجب گسترش انحراف‌ها، التقاط و عقاید باطل در میان مسلمانان شده بود (درخشه، ۱۳۹۱: ۱۸۹). از این رو، با توجه به مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) با بزرگان ادیان و مذاهب اسلامی، مبانی وحدت‌گرایی بین مسلمانان و پیروان سایر ادیان به شرح زیر استخراج شد:

الف) توجه به ادیان و کتاب آسمانی آنها: مناظره امام (علیه‌السلام) با بزرگانی چون جاثلیق مسیحی، رأس‌الجالوت یهودی، هرید اکبر زردتشتی و عمران صابی با توجه به دین آنان و متون عهدین (تورات، انجیل و تلمود) بوده تا جایی که با استدلال‌های عقلانی امام (علیه‌السلام) مخاطبان وی ساکت شدند و به تسلط علمی امام (علیه‌السلام) بر کتاب و دین‌شان اعتراف کردند و برخی نیز مسلمان شدند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۵۴-۱۷۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۵-۴۳۲). البته، پیش از هر چیز باید توجه داشت، در نمونه‌های موجود از این‌گونه استناد در مناظره‌های حضرت، ارجاعات ایشان از آن روی بوده است که آنان را بر پایه ارجاع به کتاب‌های آسمانی مورد قبول خود اقناع کند. همچنین، باید توجه داشت، در این‌گونه ارجاعات منقول از امام‌رضا (علیه‌السلام) اگر اصل انتساب آنها به حضرت مفروغ‌عنه تلقی شود، در فقراتی که به آنها ارجاع

می‌شود انتظار می‌رود دو ویژگی وجود داشته باشد: از یک سو استنادکننده یعنی امام زمانی که به‌عنوان بخشی از یک کتاب مقدس بدان ارجاع می‌دهد، به اصیل بودن آن به‌عنوان کتابی آسمانی و منبعی وحیانی باور داشته باشد و از سوی دیگر مخاطب حضرت به آسمانی و وحیانی بودن آن معتقد باشد (پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۲۰). بنابراین، استناد امام به کتاب‌های آسمانی ادیان دیگر باعث می‌شد تا مخاطبان حضرت تحت تأثیر قرار بگیرند و به نوعی خود را نزدیک به اسلام احساس کنند که این نزدیکی سرآغاز دستیابی به آرمان وحدت‌گرایی میان ادیان و گروه‌های مختلف مذهبی و فکری است.

ب) استناد به سیره نبوی در مناظره‌ها: سیره نبوی شامل گفتار و کردار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است که ظهور آن در امامان شیعه (علیهم‌السلام) به‌خوبی مشهود است. از این‌رو، امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان عالم آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با رعایت ضوابط و شروط برقراری یک مناظرهٔ أحسن پا به میدان مناظره نهاده و با استناد به کلام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و گاه به سنت ایشان در طی مناظره‌ها، پاسخگوی بسیاری از مسائل و پرسش‌های بزرگان اسلامی است. این کار حضرت بیانگر آن است که نخست، برای پاسخگویی در مناظره از منبع معتبر و قابل قبولی در میان بزرگان اسلام از اهل سنت و قدریه و... بهره برده که جای هیچ‌گونه مناقشه و جدلی بر آن نیست. دوم، این سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای مخاطبان ملموس و عینی است. از این‌رو، در میان مناظره‌های امام رضا (علیه‌السلام) در بسیاری از موارد به سیره نبوی از گفتار و سنت عملی ایشان بهره برده که به‌عنوان نمونه در گفتگوی میان عبدالسلام بن صالح و امام (علیه‌السلام) آمده است: زمانی عبدالسلام بن صالح از امام دربارهٔ حدیث «أهل ایمان از منازل و مقامات خود در بهشت، خدا را زیارت می‌کنند» سؤال نمود. امام در پاسخ به قرآن و سپس سخن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) استشهد نموده و از قول ایشان فرمودند: «هر کس در زمان حیات من یا بعد از مرگم به دیدار و زیارتم بیاید، خداوند را زیارت کرده است. و درجه و مقام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در بهشت از تمام درجات بالاتر است. پس هر کس از درجه و مقام خود در بهشت؛ آن

حضرت را زیارت کند، خداوند تبارک و تعالی را زیارت کرده است.» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۱۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۰۸؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۳۸). بنابراین، ارجاع امام به سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مناظره‌ها باعث شده تا پیروان دیگر مذاهب اسلامی با توجه به سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به یکدیگر نزدیک و افکار پوچ را کنار بگذارند و به وحدت گفتاری نایل شوند.

ج) استفاده از شیوه جدال أحسن: از دیگر راهبردهای مهم امام (علیه السلام) در موضوع مناظره‌ها، استفاده از شیوه جدال أحسن بنا به توصیه قرآن (نحل/ ۱۲۵) است. امام نیز بدین امر توجه تام داشته و از آنجاکه شیوه تبلیغی آن حضرت، واقع‌انگاری و حقیقت‌گرایی است، از مجادله غیر احسن پرهیز کرده و روش مجادله احسن را به کار برده است. همان‌گونه که در کتاب‌های منطقی آورده شده، در صنعت جدل از قضایایی استفاده می‌شود که مواد آنها مورد قبول مخاطب است. امام (علیه السلام) نیز در مواردی از احتجاج و سخن گفتن با مخالفان خود، به مقبولات آنان احتجاج می‌کردند. البته، این مقبولات در بیشتر موارد، مطالب حق و صحیح است و همین نکته بر اعتبار آنها می‌افزاید. به‌عنوان نمونه، در تمام مناظره‌های امام (علیه السلام) جدال احسن به‌خوبی مشهود است و حضرت از بهترین راهکارها برای اثرگذاری مفاهیم بهره برده است. در یکی از مناظره‌ها، هنگامی که مأمون عده‌ای از علمای ادیان و متکلمان خطه خراسان چون جاثلیق، رأس الجالوت، رؤسای صابئین، هرید اکبر (عالم و پیشوای بزرگ زردشتیان)، نسطاس رومی و علمای علم کلام را برای مناظره با امام فراخواند، حسن بن محمد نوفلی که در خدمت امام بود، حضرت را از مناظره با این افراد که اهل مغلطه بودند، برحذر داشت؛ لیکن امام فرمود: ای نوفلی، می‌خواهی بدانی مأمون چه وقت از این کار پشیمان خواهد شد؟ گفتم: آری، فرمود: وقتی که نظاره کند که با اهل تورات با توراتشان و با اهل انجیل با انجیلشان و با اهل زبور با زبورشان و با صابئین با عبری و با زردشتیان به فارسی و با رومیان به رومی و با هر فرقه‌ای از علما به زبان خودشان بحث می‌کنم و آنگاه که همه را مجاب کردم و در بحث بر همه چیره شدم و تمام ایشان سخنم را پذیرفتند، مأمون درخواهد یافت آنچه به دنبال

آن است درخور او نیست. در این زمان است که او پشیمان خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۱۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۶). بنابراین، جدال احسن به دور از هرگونه جدال و بحث غیرمنطقی و منابع نامعتبر بوده است که امام هنرمندانه از آن بهره برده و با استفاده از این روش منطقی، موجب نزدیکی افکار و آرای مسلمانان و ادیان دیگر گردیدند.

د) اعتراف مأمون به علم امام و هدایتگری آن حضرت: از دیگر روش‌های هنرمندانه امام در طی مناظره‌ها، واداشتن خلیفه عباسی (مأمون) به اعتراف در عالم بودن امام و جایگاه والای آن امام است که موجب هدایتگری و نزدیکی به وحدت اسلامی می‌گردد. در متون روایی آمده که پس از بحث درباره خطای حضرت داود (علیه السلام) مأمون به همراه محمدبن جعفر عموی امام (علیه السلام) خارج شد. در این اثنا، مأمون گفت: برادرزاده‌ات را چگونه یافتی؟ او گفت: عالمی که نزد اهل علم رفت و آمد نداشته است. آن گاه مأمون گفت: «إِنَّ الْأَبْرَارَ عَتْرَتِي وَ أَطْيَابِ أَهْلِی، لَا یَخْرُجُونَكَ مِنْ بَابِ هَدًی وَ لَا یَدْخُلُونَكَ فِی بَابِ ضَلَالَةٍ» (آگاه باشید! اینان نیکان عترت من و پاکان نسل من هستند. کسانی که از در هدایت شما را خارج نخواهند نمود و به در گمراهی شما را وارد نخواهند کرد) (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۳۲). ناگفته پیداست، این اعتراف مأمون بیانگر آن است که علم امام (علیه السلام) در مناظره‌ها الهی بوده و هرکسی که به این منبع علم الهی وصل شود، می‌تواند به سعادت برسد و هر کسی هم که قبول نکند، وارد گمراهی و تفرقه خواهد شد و تنها کسی که قدرت آن را دارد که مردم را به سوی وحدت و یکرنگی سوق دهد، وجود امام (علیه السلام) است. بنابراین، هدف اصلی امام (علیه السلام) در مناظره با بزرگان ادیان و مذاهب اسلامی، دستیابی به یک نوع وحدت اجتماعی و سیاسی امت اسلامی است تا از این راه، مشکلات موجود جهان اسلام به واسطه بیان معارف و فرهنگ اصیل اسلامی حل شود و نزدیکی بین افکار و عقاید مردم صورت پذیرد.

۷-۳ اخوت ایمانی

قرآن کریم در مرحله عام میان مسلمانان و در مرحله خاص میان مؤمنان نسبت برادری قرار داده است که در روایات اسلامی از آن به اخوت ایمانی تعبیر می‌شود. قرآن در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (حجرات/۱۰) علامه طباطبایی صاحب تفسیر شریف المیزان در باب برادری مؤمنان با یکدیگر، در تفسیر این آیه می‌گوید: باید دانست که جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی، حقوقی و قانونی نیز دارد... اخوت در اسلام عبارت است از نسبتی که بین دو نفر برقرار است و در نکاح و ارث آثاری دارد، حال چه اینکه اخوت طبیعی باشد و چه رضاعی که البته اخوت رضاعی آثاری در مسئله ازدواج دارد ولی در ارث ندارد و چه اخوت دینی که آثاری اجتماعی دارد و در نکاح و ارث اثر ندارد. از امام صادق (علیه‌السلام) درباره حقوق اخوت دینی روایتی نقل شده که فرمودند: مؤمن برادر مؤمن و چشم او و راهنمای اوست. به او خیانت نمی‌کند و ستم بر او روا نمی‌دارد و او را فریب نمی‌دهد و اگر وعده‌ای به او داد خلف وعده نمی‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۳۱۶ و ۳۱۷).

از این رو، امام رضا (علیه‌السلام) که تالی تلوقرآن و فرمایش‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آباء خویش است، اخوت ایمانی (نسبت برادری میان مسلمانان) را از راهبردهای نزدیکی مردم به یکدیگر دانسته و در سخنانی بر این امر صحه می‌گذارد. حضرت در حدیثی می‌فرماید: «همانا خداوند تبارک و تعالی مؤمنان را از نورش خلق نمود و در رحمتش قرار داد و از آنها درباره ولایت ما پیمان گرفت. پس مؤمن برادر مؤمن است؛ مانند پدر و مادرش نور است و مؤمن بسان مادری است مهربان. پس هر مؤمن هوشیاری که می‌خواهد ببیند باید به نور خداوندی بنگرد که او را خلق کرده است.» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۱۳۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴: ۷۵). ایشان در جایی دیگر، کمک‌رسانی و برآوردن حاجت مسلمانی توسط برادرش را موجب قرب و سعادت دانسته است و اجر چنین فردی را از سوی پروردگار، بهشت ذکر می‌کند؛ آنجا که می‌فرمایند:

«هرکسی از برادرش در راه خدا استفاده کند، خانه‌ای در بهشت دارد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۵۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۶). لازم به توضیح است، اصول دینی و اخلاقی مانند مدارا، اخوت، معاشرت نیکو با مخالفان، حُسن خلق، چشم‌پوشی از عیوب دیگران، خیرخواهی و اهتمام به امور مسلمانان و رفع حوائج آنها، حمل عمل برادران دینی بر صحت، مشورت و استفاده از آرای دیگران و تأکید بر صلح، سلام، ملاقات، عیادت و دیگر مظاهر اخلاقی و عاطفی را باید از مصداق‌های بارز دخیل در برادری میان مسلمانان در سیره و سنت امام‌رضا (علیه‌السلام) دانست. آن حضرت در تمام دوران زندگانی خویش به دنبال راهی برای ایجاد وحدت و همدلی و پیوند برادرگونه میان تمام مسلمانان بود و میان فقیر و غنی فرقی قایل نشد و تنها ملاک برتری را برادر بودن مسلمانان با یکدیگر و کمک و یاری متقابل آنها می‌دانست که این امر نزدیکی افراد نسبت به یکدیگر و پیوند قلوب را به دنبال دارد.

نتیجه‌گیری

امام‌رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان هشتمین امام شیعیان در زمان خلفای عباسی فرصت آن را یافت تا با استفاده از شرایط زمانی (عصر هارون، امین و مأمون) و مکانی خویش (مدینه و مرو خراسان) بینش و آرمان وحدت اسلامی را به‌نحوی شایسته و قابل تقدیر به منصف ظهور برساند. از این رو، ایشان با تبیین اندیشه وحدت مذاهب اسلامی و ادیان الهی، بر آن است تا بر مبنای آموزه‌های اسلامی، امکان تعامل احترام‌آمیز در لایه‌ها و سطوح دینی جامعه را نمودی مصداقی و عینی ببخشد. بنابراین، نتایج حاصل از این پژوهش با توجه به متون اسلامی و تحلیل آنها، در چند نکته خلاصه می‌شود:

۱. با توجه به وضعیت سیاسی عصر امام‌رضا (علیه‌السلام) که مصادف با عصر هارون و امین بود، امام با آسودگی خاطر و فراغت بال بسیار توانست به صدور

فتوا برای شیعیان و تعلیم علوم اسلامی به شاگردان خود روزگار را سپری کند. لیکن، عصر مأمون خاص و ویژه بود زیرا امام با استفاده از موقعیت ولایتعهدی و اقامت در خراسان، البته با اجبار مأمون، در مناظره‌های ترتیب‌داده‌شده از سوی مأمون با اربابان ادیان و مذاهب اسلامی، توانست اصول و آموزه‌های ناب اسلامی در زمینه توحید، نبوت، معاد و ... را به دیگران انتقال دهد و حقانیت آیین اسلام را آشکار سازد.

۲. کلام امام‌رضا(علیه‌السلام) به مانند شعاع نوری است که در همه جا ساطع شده و باعث هدایت است. از این‌رو، ایشان در مواضع مختلف به ایراد سخنانی از خود و یا با استناد به آباء و اجداد بزرگوارش، سعی در ایجاد یکدلی و نزدیک کردن مردم داشت؛ هرچند از نظر افکار و آراء دینی متفاوت بودند.

۳. از راهبردهای اساسی امام‌رضا(علیه‌السلام) در تحقق یافتن وحدت اسلامی در میان فرقه‌ها و مذاهب اسلامی و در سطح کلان‌تر یعنی ادیان الهی، شامل مواردی چون بینش توحیدی، تأکید بر قرآن، تمسک به سیره نبوی، توجه به آرمان مهدویت‌گرایی، مداومت بر ذکر صلوات بر محمد(صلی‌الله‌علیه‌وله) و آل‌محمد(علیهم‌السلام) توجه‌دادن به اصول و مبانی وحدت در مناظره‌ها و اخوت ایمانی است.

۴. از کاربردی‌ترین نتایج این تحقیق که می‌توان در دنیای امروزی نیز با مدل‌سازی ارتباط اثربخش (اقناع مخاطب) از آن بهره برد، بحث گفتگوی ادیان و مذاهب اسلامی است. الگوگیری از شیوه امام‌رضا(علیه‌السلام) و بررسی مباحثات و مناظره‌های آن حضرت با صاحبان و سران ادیان الهی، موجب انسجام و یکرنگی و نزدیکی هرچه بیشتر در میان آنان می‌شود.

۵. امام‌رضا(علیه‌السلام) در اصل مهمی از راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب توجه‌دادن به اصول و مبانی وحدت در مناظره‌ها را با بهره‌مندی از توجه به ادیان و کتاب‌های آسمانی آنها، استناد به سیره نبوی، استفاده از شیوه جدال

أحسن، اعتراف مأمون و هدایتگری آن حضرت به نحوی شایسته، از اصول مهم در تحقق وحدت و یکرنگی افراد دانسته است. به ویژه آنکه اعتراف مأمون به عنوان خلیفه مسلمانان بر علم و درایت امام (علیه السلام)، بر وجاهت علمی و دینی امام رضا (علیه السلام) افزوده و سبب توجه مسلمانان به شخص امام به عنوان الگوی برتر شخصیتی می شود.



منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- علی بن موسی الرضا (ع) (منسوب). (۱۴۰۶ق). *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)*. تحقیق: مؤسسه آل‌البیت (ع). مشهد: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. قم: الشریف الرضی.
- _____ (۱۳۷۸ق). *عیون الاخبار الرضا (ع)*. تحقیق: مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۳۷۶). *الآمالی*. تهران: نشر کتابچی.
- _____ (۱۳۹۸ق). *التوحید*. تحقیق: هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*. قم: نشر علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱ق). *جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع*. قم: الشریف الرضی.
- _____ (۱۴۰۶ق). *فلاح السائل و نجاح المسائل*. قم: نشر بوستان کتاب.
- ابن عمرانی، محمد بن علی. (۱۴۲۱ق). *الإنباء فی تاریخ الخلفاء*. تحقیق: قاسم السامرائی. قاهره: دار الآفاق العربیه.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: نشر مؤسسه بعثه.
- براتی دشت بیاض، بهمن. (۱۳۸۶). «نقش امام رضا (علیه السلام) در وحدت ملی و انسجام اسلامی عصر عباسی». فصلنامه تخصصی تاریخ پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ش ۳۲ و ۳۳، صص: ۹۲ - ۷۳.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. تحقیق: جلال‌الدین محدث. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- پاکتچی، احمد و دیگران. (۱۳۹۲). *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)*. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع) با همکاری بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حسکانی، عبیدالله. (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تحقیق: محمدباقر محمودی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حکیم، سیدمنذر و دیگران. (۱۳۸۴). *پیشوایان هدایت (حضرت امام رضا (ع))*. تهران: نشر مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- خادمی، فاطمه؛ صادقی، عشرت؛ چابکی، ام‌البنین. (۱۳۹۵). «راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظره‌ها و احتجاجات». فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی، سال چهارم، شماره سیزده، صص: ۵۴-۳۱.
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید محمد مهدی. (۱۳۹۱). *سیاست و حکومت در سیره امام رضا (ع)*. تهران: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع).
- سیاوشی، کریم؛ سلیمانی، فرنا. (۱۳۹۴). «راهکارهای تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، سال دهم، ش ۳۹، صص: ۸۴-۷۳.
- راوندی، سعید بن هبه‌الله. (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*. تحقیق: مؤسسه الامام المهدی. قم: نشر مؤسسه الامام المهدی.
- شراوی، جمال‌الدین. (بی تا). *الاتحاف بحب الاشراف*. قم: دارالذخائر.
- شیخوند، زهرا. (۱۳۹۱). «نقش امام رضا (علیه السلام) در وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی». *اعتقادات در آئینه فرهنگ رضوی (مجموعه مقالات منتخب استانها)*. تهران: نشر دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی امام

- رضا(ع). صص: ۱۴۲-۱۰۳.
- صابری، معصومه. (۱۳۹۱). «راهبردهای تقریب مذاهب در سیره امام رضا (علیه السلام)». اعتقادات در آئینه فرهنگ رضوی (مجموعه مقالات منتخب استانشا). تهران: نشر دبیرخانه دائمی جشنواره بین المللی امام رضا (ع). صص: ۱۰۲-۷۹.
- صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). تحقیق: محسن کوجه‌باغی. قم: نشر مکتبه آیت‌الله مرعشی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، احمدبن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. تحقیق: محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- _____ (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عسگری، مرتضی. (بی تا). نقش ائمه (ع) در احیای دین. اصفهان: نشر بنیاد بعثت.
- فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: نشر کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).
- کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۱۸ق). البلد الامین و الدرع الحصین. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- _____ (۱۴۰۵ق). مصباح. قم: الشریف الرضی
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه
- _____ (۱۳۸۱). بهشت کافی. ترجمه حمیدرضا آذیر. قم: نشر سرور.
- کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات کوفی. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۲۶ق). اثبات الوصیه. قم: نشر انصاریان.
- مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق). الآمالی. تحقیق: حسین استادولی و علی اکبر غفاری. قم: کنگره شیخ مفید.
- موحد ابطحی اصفهانی، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۲). صحیفه رضویه جامعه. مترجم: سیدعرفان لاجوردی. مشهد: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع).
- میرحسینی، یحیی و کریمی، محمود. (۱۳۹۲). «روش‌های رویارویی امام رضا (ع) با پیروان ادیان، فرق و مذاهب اسلامی». فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال ششم. ش ۲۳. صص: ۹۵-۱۱۴.
- نوری، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- واسعی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۵). «تعامل با خانواده در سنت رضوی (رویکرد تبارشناسانه)». فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ رضوی. سال چهارم. ش ۱۶. صص: ۲۷۶-۲۵۱.